



مرکز تهران

موضوع:

**اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی  
صنعت نفت (بیع متقابل، مشارکتی و امتیازی)**

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر سید نصرالله ابراهیمی

استاد مشاور:

جناب آقای دکتر رضا طبرلو

استاد داور:

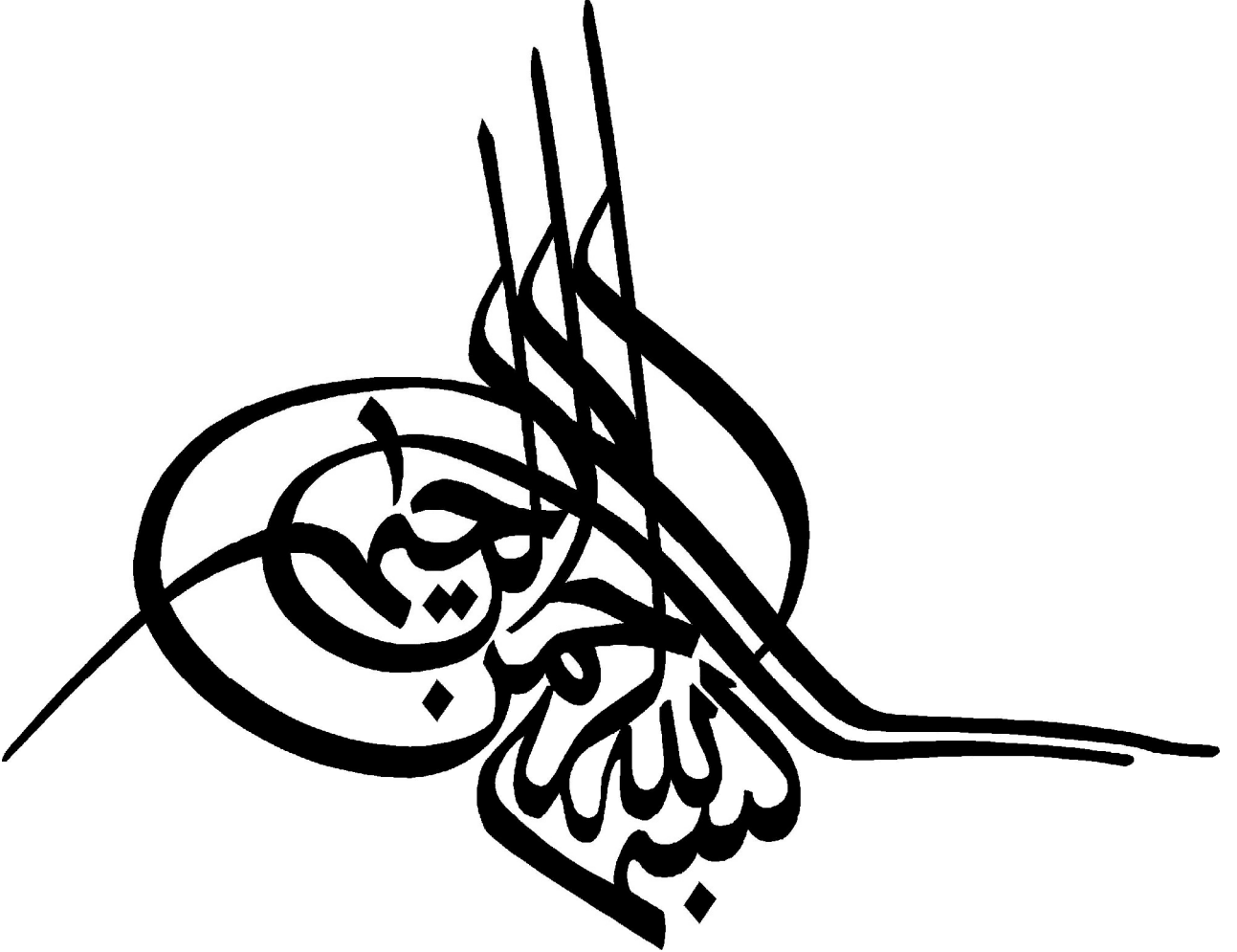
جناب آقای دکتر عباس نظیفی

مؤلف:

فرزانه سریر

کارشناسی ارشد (حقوق خصوصی)

بهار ۱۳۸۸



# باسمه ی تعالی

بررسی تطبیقی اصول وقواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای  
بالادستی صنعت نفت

## فهرست مطالب

مقدمه

### فصل اول : کلیات و مفاهیم

بخش اول : قراردادهای بین المللی نفتی

مبحث اول : تعریف قراردادهای بین المللی

مبحث دوم : تعریف قراردادهای بین المللی نفتی

مبحث سوم : تحلیل و توصیف حقوقی انواع قراردادهای بین المللی نفتی

بخش دوم : تاریخچه صنعت نفت در ایران

مبحث اول : تعریف نفت

مبحث دوم : دوره سلطه مطلق انگلستان بر صنعت نفت ایران ( تاریخچه ی شرکت

پترولیم بریتیش)

مبحث سوم : نهضت ملی شدن صنعت نفت ایران

مبحث چهارم : تشکیل سازمان کشورهای صادر کننده ی نفت

مبحث پنجم : تاریخچه ی قراردادهای نفت در ایران

بخش سوم : نظامهای حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی

مبحث اول : انواع نظامهای حقوقی حاکم

مبحث دوم : نظام حقوقی حقوق داخلی

گفتار اول: روش های تحدید حدود حاکمیت دولتها در ارتباط با قراردادهای  
بین المللی دولتی - نفتی

گفتار دوم: شروط محدود کننده ی قراردادی حاکمیت دولتها در ارتباط با  
قراردادهای بین المللی دولتی - نفتی

مبحث سوم: نظام حقوقی بین الملل عمومی

گفتار اول: حقوق بین الملل عمومی

گفتار دوم: قواعد ناظر بر مسئولیت بین المللی دولت

مبحث چهارم: نظام حقوقی حقوق فراملی

گفتار اول: منابع نظام حقوق فراملی

گفتار دوم: نظریات در ارتباط با حقوق فراملی

مبحث پنجم: نظام حقوقی Lex Petroleum

بخش چهارم: بررسی و تحلیل قراردادهای بالا دستی صنعت نفت معاصر

مبحث اول: ماهیت حقوقی قراردادهای نفتی

گفتار اول: ماهیت متحول قراردادهای نفتی

گفتار دوم: قرارداد داوری بین المللی

مبحث دوم: مراحل و مدت قراردادهای نفتی جدید

مبحث سوم: قراردادهای امتیازی

مبحث چهارم: قراردادهای مشارکت

گفتار اول: قراردادهای مشارکت در تولید

گفتار دوم: قراردادهای مشارکت در سود

گفتار سوم: قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری

مبحث پنجم: قراردادهای بیع متقابل در صنعت نفت

گفتار اول: قراردادهای خرید خدمات خطر پذیر

گفتار دوم: قراردادهای خدماتی بیع متقابل (بای بک)

مبحث ششم: قراردادهای فاینانس

مبحث هفتم: تشریفات عقد قرارداد بیع متقابل والزامات حقوقی لازم الرعایه در آن

مبحث هشتم: آثار اسناد بین المللی در قراردادهای بیع متقابل نفت و گاز ایران  
فصل دوم: اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی

بخش اول: حاکمیت دائمی دولت ها بر منابع طبیعی و نفتی  
مبحث اول: اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای مرتبط با منابع و ثروت های  
طبیعی

مبحث دوم: قراردادهای بین المللی مرتبط با منابع و ثروت های طبیعی  
مبحث سوم: ارتباط حقوق بین الملل خصوصی با منابع و ثروت های طبیعی  
مبحث چهارم: بررسی مالکیت منابع نفتی در ایران  
مبحث پنجم: آثار حقوقی باز شناسی حاکمیت دولت بر منابع طبیعی  
گفتار اول: خروج قراردادهای نفتی از محدوده قراردادهای خصوصی

و تجاری  
گفتار دوم: تضعیف اصل حاکمیت اراده و تعیین قانون ملی دولت طرف  
قرارداد به عنوان قانون حاکم

بخش دوم: اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت  
مبحث اول: مفهوم سیستم حقوقی یا اصول حاکم  
مبحث دوم: ضرورت تعیین اصول قانون حاکم بر قراردادهای نفتی  
گفتار اول: روشهای سنتی و نوین در تعیین قانون حاکم بر  
قراردادهای نفتی

بند اول: روشهای سنتی در تعیین قانون حاکم  
بند دوم: روشهای نوین و انعطاف پذیر در تعیین قانون حاکم  
گفتار دوم: تعیین قانون حاکم در صورت عدم یا فقدان نظام حقوقی  
صلاحیتدار

مبحث سوم: اصول حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت  
گفتار اول: اصل آزادی قراردادی

گفتار دوم : اصل حاکمیت اراده

بند اول : اصل حاکمیت اراده و استثنائات آن

بند دوم : تعیین قانون حاکم بر اساس اصل حاکمیت اراده

گفتار سوم : اصل حسن نیت

گفتار چهارم : اصل اعتماد کامل و محرمانه بودن اطلاعات

گفتار پنجم : اصل نسبیّت قراردادی

گفتار ششم : اصل لزوم قراردادی

مبحث چهارم : منابع حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی

گفتار اول : قوانین داخلی حاکم بر قراردادهای نفتی

گفتار دوم : مقررات (الزامات برنامه ای و بودجه ای) حاکم بر قراردادهای

نفتی

گفتار سوم : قوانین و کنوانسیون های بین المللی حاکم بر قراردادهای نفتی

گفتار چهارم : اصول حقوقی به عنوان قانون حاکم بر قراردادهای نفتی

گفتار پنجم : رویه های قضایی داخلی و خارجی حاکم بر قراردادهای نفتی

گفتار ششم : دکترین و نظریات حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی

بند اول : نظریه ی حکومت قانون ملی طرف دولتی قرارداد

بند دوم : نظریه ی غیر محلی کردن

بند سوم : شرایط مندرج در قرارداد

بند چهارم : نظریه ی تبعیت قرارداد نفتی از اصول کلی حقوقی

بند پنجم : نظریه ی حکومت حقوق بین الملل بر قراردادهای نفتی

بند ششم : نظریه ی حکومت حقوق فرا ملی بر قرارداد

بخش سوم : تعریف انواع قراردادهای نفتی و بررسی اهمیت

قراردادهای بالادستی صنعت نفت

مبحث اول : تعریف انواع قراردادهای نفتی از لحاظ عرصه فعالیت

مبحث دوم : اهمیت قراردادهای بالادستی صنعت نفت

بخش چهارم: بررسی تغییرات قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی  
مبحث اول: بررسی دوره دوم قراردادهای نفتی یا دوره حکومت قانون غیر ملی بر  
قرارداد

گفتار اول: شکل قرارداد در دوره دوم (الغاء امتیاز داری و ۱۹۳۳)

گفتار دوم: اصول حقوقی و آیین دادرسی حاکم بر قرارداد ۱۹۳۳

گفتار سوم: قرارداد کنسرسیوم ۱۹۴۵

گفتار چهارم: قانون حاکم بر قراردادهای پس از کنسرسیوم (از سال ۱۹۶۹-۱۹۵۴)

مبحث دوم: دوره سوم قراردادهای نفتی یا دوره حکومت قانون ملی بر قراردادهای نفتی

گفتار اول: شکل و قانون حاکم بر قراردادهای دوره سوم

گفتار دوم: آخرین تحولات مربوط به سیستم حقوقی حاکم بر قراردادهای منعقدہ نفتی

مبحث سوم: پیدایش قراردادهای نوع خدمت و قانون نفت مصوب سال ۱۳۵۳

مبحث چهارم: بررسی تغییرات قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای منعقدہ نفتی

مبحث پنجم: سر نوشت قراردادهای نفتی بعد از انقلاب و مصوبه شورای انقلاب مبنی بر

لغو

بخش پنجم: بررسی تطبیقی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای

نفتی

مبحث اول: بررسی نقاط ضعف و قوت انواع قراردادهای نفتی

گفتار اول: نقاط ضعف و قوت قراردادهای امتیازی

گفتار دوم: نقاط ضعف و قوت قراردادهای مشارکتی

گفتار سوم: نقاط ضعف و قوت قراردادهای بیع متقابل

بند اول: نکات قوت قراردادهای بیع متقابل برای کشور میزبان

بند دوم: نکات ضعف قراردادهای بیع متقابل برای کشور میزبان

مبحث دوم: تحلیلی از انگیزه های طرفین در انعقاد انواع قراردادهای نفتی

مبحث سوم: بررسی اصول و قواعد مشترک در قراردادهای بالادستی صنعت نفت

مبحث چهارم: بررسی تمایزات انواع قراردادهای بالادستی صنعت نفت

مبحث پنجم: بررسی اختلافات قراردادهای بالا دستی صنعت نفت از نظر نوع  
وساختار

فصل سوم: دعاوی وحل وفصل اختلافات در قراردادهای بالا دستی  
صنعت نفت

بخش اول: اصول حقوقی در دعاوی بین المللی نفت

مبحث اول: کلیاتی درباره دعاوی نفتی بین المللی

مبحث دوم: معیارهای اصول حقوقی در قراردادهای نفتی

مبحث سوم: سلب مالکیت وانواع آن

گفتار اول: سلب مالکیت مستقیم و غیر مستقیم

گفتار دوم: سلب مالکیت مشروع و غیر مشروع

مبحث چهارم: بررسی پرداخت غرامت

مبحث پنجم: اختلافات ناشی به اجرا، تفسیر، نقض وفسخ قرارداد

مبحث ششم: گزینش منفی

مبحث هفتم: اصول حقوقی حاکم در دوره بین المللی شدن قراردادهای نفتی

گفتار اول: عوامل خارج از قرارداد

گفتار دوم: عوامل قراردادی (شرط ثبات)

مبحث هشتم: اصول کلی حقوقی به عنوان قانون حاکم بر قراردادهای نفتی

در آراءداوران

بخش دوم: مکانیزم حل وفصل اختلافات در قراردادهای بالادستی

نفتی

بین المللی

مبحث اول: روش قضایی حل وفصل اختلافات بین المللی

مبحث دوم: روش شبه قضایی حل وفصل اختلافات بین المللی

مبحث سوم: روش های غیر قضایی حل وفصل اختلافات بین المللی



گفتار اول : روش میانجیگری  
گفتار دوم : روش مصالحه و آشتی  
گفتار سوم : روش تعیین کار شناس  
گفتار چهارم : روش های جایگزین دیگر  
بند اول : روش سازمان ملل  
بند دوم: روش سازمان های دیگر

نتیجه گیری و پیشنهادات

منابع و مآخذ

## چکیده:

امروزه با توجه به بحران نفت در سراسر جهان و محدود بودن منابع طبیعی نفتی و مصرف روزافزون آن، بدیهی است که برای استفاده بهینه از این منبع خدادادی باید با طرحی نو در بازار داخلی و جهانی وارد شویم. هدف اصلی از ارائه این تحقیق، دست یابی به قراردادی است که بیشترین منافع ملی را برای کشور عزیزمان به ارمغان آورد و به ناچار باید به بررسی تطبیقی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی به پردازیم و در وهله اول روشن سازیم که علت تفاوت در ساختار قراردادهای نفتی چیست؟ آیا این تفاوت ناشی از اصول و قواعد حقوقی حاکم بر آن است یا علل دیگری دارد. با تفحص و تعمق در این اصول و قواعد حقوقی در می یابیم که انواع قراردادهای نفتی، غالباً در اصول و قواعد مشترکند و کشورهای صاحب نفت می کوشند تا قانون ملی خود را بر قراردادهای بین المللی نفتی حاکم سازند و شرکت های سرمایه فرست، اکثراً به دنبال حاکمیت قوانین حل تعارض و اصول حقوقی حاکم بر این گونه قراردادها هستند.

به نظر نگارنده علت اصلی اختلافات در نوع و ساختار قراردادهای نفتی، بیشتر ناشی از تفاوت انگیزه ها در انعقاد آن است تا اصول و قواعد حقوقی حاکم بر آن. با توجه به انواع قراردادهای نفتی که مهمترین آنها عبارتند از: قراردادهای امتیازی، مشارکتی و خرید خدمت، در می یابیم که انعقاد قراردادهای امتیازی غالباً مورد توجه شرکت های صاحب سرمایه می باشد زیرا این شرکت تنها با پرداخت حق مالکانه ی نا چیز و اندکی به کشور صاحب نفت، بر کلیه مراحل مقدماتی، اکتشاف، استخراج، تولید و فروش نظارت و مدیریت کامل دارند و در واقع ثروت ملتها را به یغما می برند. در قراردادهای مشارکتی که بر سه نوع هستند: قراردادهای مشارکت در تولید، مشارکت در سود، مشارکت در سرمایه. این قراردادها به دلیل سطح پایین هزینه و مالیات و به بالا بودن سهم مشارکت در سود، مورد توجه شرکت های خارجی می باشد. ریسک عامل تعیین کننده ای در انگیزه ی طرفین جهت انعقاد قرارداد می باشد. و در یک کلام، بیشترین رضایت طرفین قرارداد امنیت سرمایه گذاری در قراردادهای مشارکت در سرمایه گذاری به چشم می خورد و سرانجام قراردادهای بیع متقابل (خرید خدمت) انعطاف پذیر ترین نوع قراردادهای منعقد نفتی هستند ولی این نوع قراردادها نیز دارای معایبی می باشند که به بررسی اجمالی آن با قراردادهای مشارکت در تولید می پردازیم: در قراردادهای بیع متقابل کلیه مراحل از ابتدا تا بازار یابی و فروش نفت، تحت نظارت و برنامه ریزی کامل کشور صاحب نفت قرارداد و در واقع شرکت خارجی تنها انجام دهنده سفارشات کشور صاحب نفت است و چنانچه قیمت نفت افزایش یابد، سهم شرکت خارجی کاهش می یابد و سهم دولت میزبان از اشکال دیگر قراردادی بیشتر است ولی در قراردادهای مشارکت در تولید با افزایش قیمت نفت سهم قابل توجهی نصیب شرکت صاحب سرمایه می شود. رکن قوت قراردادهای بیع متقابل، حفظ حاکمیت ملی کشور صاحب نفت بر منابع نفتی است که به همین دلیل، می کوشیم با حفظ شالوده این نوع قراردادها تغییراتی در آن ایجاد نماییم تا به عنوان یک اهرم حقوقی محکم، بتواند منافع ملی کشور عزیزمان را در عرصه قراردادهای بین المللی نفتی به بهترین وجه تامین نماید.

## مقدمه:

در پی رشد اقتصاد جهانی که عمدتاً به وسیله چین و هند ایجاد گردیده بود، افزایش چشمگیری را در مورد تقاضای نفت در جهان شاهد بودیم. از آنجا که پیش بینی ها، حاکی از افزایش تقاضای انرژی در جهان است و با توجه به کاهش دائمی اکتشاف منابع نفتی در اکثر کشورهای غیر عضو اوپک، تقاضای شدید نفت از کشورهای عضو اوپک از قبیل ایران را خواهیم دید. علاوه بر این، در آینده ای نزدیک، تاثیر ایران و دیگر کشورهای عضو اوپک آشکارتر خواهد گردید مگر آنکه بتوان از نظر اقتصادی جانشینی برای نفت پیدا کرد.

اگر چه کشورهای عضو اوپک ذخایر مورد نیاز برای پاسخگویی به نیاز جهانی را دارا هستند، اما فقدان سرمایه داخلی، و مهارت های مدیریت پروژه و مهارت های فنی مانع می گردد تا شرکت های نفتی داخلی بتوانند به خوبی این ذخایر را گسترش دهند. علاوه بر این، به علت کمبود سرمایه، بخش انرژی در این کشورها در رقابت شدیدی با دیگر بخش های اقتصادی برای جذب سرمایه قرار دارد که ممکن است منجر به سرمایه گذاری اندک در صنعت ملی نفت این کشورها گردد. و این دقیقاً زمانی که قیمت های نفت پایین است و در نتیجه درآمدهای دولت با افت بسیاری روبروست. در نتیجه، این موقعیت فرصتی است برای شرکت های بین المللی نفتی تا خدمات ضروری و مورد نیاز این کشورها را برایشان فراهم کنند البته تا آنجا که این دول نیز در مقابل یک سری امتیازات حقوقی، مالی و سیاسی را برای آنها تضمین کنند.

در طی دهه های گذشته، ایران فعالانه در تلاش بوده است تا خود را در جایگاه یکی از مهمترین دریافت کننده های سرمایه گذاری های خارجی در بخش انرژی قرار دهد. به علت وابستگی بودجه دولت ایران به نفت و گاز به عنوان منبع نیمی از درآمدهایش، و به سبب فقدان تامین مالی و تکنولوژی مدرن، دولت ایران سیاست جذب سرمایه گذاری های خارجی را در پیش گرفته است. در جولای ۱۹۹۸، دولت ایران برنامه ای خوش بینانه مبنی بر مشارکت خارجی ها در ۴۲ پروژه اکتشاف، توسعه و بازسازی میادین نفت و گاز را اعلام کرد که با موفقیت چندانی روبرو نبود. وضع قانون تحریم ایران و لیبی در ۱۹۹۶، که مانع از فعالیت شرکت های آمریکایی در ایران گردید و نیز فقدان انعطاف در قراردادهای بیع متقابل عرضه شده از سوی دولت ایران در این عدم موفقیت نقش داشته اند. با بررسی تاریخچه صنعت نفت در ایران در می یابیم که ایران فراز و نشیب های زیادی را در این زمینه طی کرده است

پس از دوره سیاه سلطه مطلق انگلستان بر صنعت نفت ایران، با طلوع نهضت ملی شدن نفت و تشکیل اوپک، افق تازه های در تاریخ ایران گشوده شد.

در آغاز قرن ۲۱ قدرت اقتصادی تعیین کننده نقش و جایگاه کشورها در نظام بین المللی است و سایر مسائل معطوف به این نقش و جایگاه است واز این رو اکنون بر خلاف گذشته که مناطق استراتژیک مهم بوده اند اکنون مناطق ژئواکونومیک دارای اهمیت است

امروزه صنعت نفت جهان در بخش بالادستی با چالش های متعددی از جمله نیاز به افزایش تولید نفت در پی افزایش تولید ناخالص کشورها، دسترسی به ذخایر جدید، مدیریت روند نزولی ذخایر میادین قدیمی، حفظ و ارتقای دانش فنی با توجه به موج باز نشستگی نیروی انسانی با تجربه و عملیات در مناطق به صورت روز افزون مشکل تر شده است. در این میان امکان بهره برداری حداکثری از امکانات موجود با توجه به موضوع مهم انعقاد قراردادهای سرمایه گذاری و تولید، اهمیت بی بدیلی داشته و خواهد داشت شویق و حمایت از سرمایه گذاران خارجی در فعالیتهای بالادستی نفت و گاز به ویژه در میدان های مشترک و پروژه های اکتشافی، از اهداف دولت در عرصه فعالیتهای نفتی است. برای اطمینان از حفظ وصیانت هر چه بیشتر از مخازن نفت و گاز کشور و افزایش ضریب باز یافت و بهره برداری بهینه از مخازن نفت و گاز کشور و انتقال و به کارگیری فن آوری های جدید در مدیریت و بهره برداری بهینه از میدانهای نفت و گاز، انعقاد قراردادهایی که طی آن تعادل مناسبی میان منافع مذکور فراهم می آید، اهمیت به سزایی دارد.

در کشور ما در حوزه شروط عمومی قراردادهای بین المللی علی الخصوص قراردادهای بین المللی نفتی نوسان های زیادی در ماهیت شروط عمومی قراردادها مشاهده می شود و شرکت های برگزار کننده مناقصات، چهار چوب مستقل و متفاوتی برای برخی از این شروط در نظر می گیرند. حتی می توان گفت: طرف های ایرانی این قراردادها به دلیل نبودن الزام لازم و متناسب قانونی و بسیاری خلاءهای دیگر در این زمینه شروط عمومی قراردادهای مزبور را بر اساس سیاست شرکت های خارجی تعیین می کنند به همین دلیل ضروری است با بررسی علمی هر یک از شروط عمومی قراردادهای نفت در کنار درک جامع و صحیح از سیاست های کلان اقتصادی کشور در بخش انرژی به ویژه صنعت نفت ر جهت هماهنگی این شروط با سیاست های کلی معین شده، د در حوزه اقتصاد و نفت در کشور و همچنین مقتضیات و ضرورت های اقتصادی جهانی، حرکت نمود. بی شک تبیین شروط عمومی قراردادها و شفاف سازی آنها سرمایه گذاران و شرکت های خارجی سریع تر و راحت تر می توانند در زمینه همکاری با پروژه های نفتی مهم تصمیم گیری کنند و مراحل مذاکرات قراردادی که در عمل بسیار طولانی می شوند به کمترین زمان ممکن کاهش یافته و در مجموع بستر حقوقی مناسب تری در این حوزه مهم اقتصادی فراهم گردد.

بسیار ساده اندیشانه است که رشد یک کشور را محدود به سرمایه گذاری داخلی بدانیم زیرا رشد تولید به منابع لازم احتیاج دارد و منابع داخلی نیز محدود است و دولتها نیز با توجه به بودجه سنگین

پروژه های مربوط به بخش بالادستی نفت و به طور کلی سرمایه گذاری های زیر بنایی قادر به تامین سرمایه از منابع داخلی نخواهد بود و لذا نیازمند به بخش خصوصی چه داخلی و چه خارجی در این راستا می باشند .

امروزه دولتها سعی کرده اند در سیستم قانون گذاری خود با حساسیت و نظارت بر تحولات جدید ، قوانینی هماهنگ با رشد روابط خصوصی بین المللی را تصویب و به اجرا گذارند . اکنون به بررسی اجمالی انواع قراردادهای نفتی و توضیحاتی پیرامون مباحث مختلف این مقال مطالبی را ارائه می نمایم:

ایران تاریخچه ای طولانی در اعطای امتیاز نفتی دارد یعنی از ۱۹۰۱ که به شرکت اکتشاف داری امتیازی برای ۶۰ سال در سرتاسر کشور به استثنای برخی نواحی در شمال ایران اعطا گردید . شماری از ویژگیهای این قراردادهای امتیازی از قبیل تصرف زمین وسیعی برای مدت طولانی، فقدان نظارت دولتی و سود اندک برای دولت از طریق نظام حق امتیاز، از طرف دولتهای تولید کننده نفت مورد انتقاد قرار گرفت . این اعتراضات بعدها منجر به ملی کردن اموال، تشکیل اوپک و گسترش توافقات قراردادی جایگزین برای اعطای امتیاز اکتشاف و توسعه در اکثر کشورهای خاورمیانه از جمله ایران گردید .

در کل، دولت ها و شرکت های نفتی در مسائل نفتی از مجرای ترتیبات امتیازی و قراردادی به مذاکره می پردازند . هدف این گزارش نخست بررسی راهکارهایی است که دول تولید کننده نفت به وسیله آن به کسب سود اقتصادی به کمک مشارکت های نفتی مبتنی بر ترتیبات قراردادی و امتیازی می پردازند و سپس به مقایسه قراردادهای بیع متقابل ایران در زمینه نظام قراردادی پرداخته خواهد شد . غایت این تجزیه و تحلیل رسیدن به یک نظر کارشناسی در مورد مطلوبیت قراردادهای بیع متقابل برای سرمایه گذاری بالقوه در بخش انرژی ایران می باشد .

اکتشاف در صنایع بالادستی نفت و گاز متضمن ریسک های بی شماری است در نتیجه کشور میزبان باید نظام مالی خود را به نحو دقیقی تنظیم نموده تا بین اهداف مورد نظر خود توازن برقرار کرده و ریسکهایی که شرکت های ملی نفت بر عهده می گیرند را نیز مورد توجه قرار دهد . معمولاً دولت ها تحت نظام های حقوقی اهداف متعددی را دنبال می کنند، که می توان موارد زیر را به عنوان نمونه نام برد: افزایش منابع و ذخایر نفتی بومی، دسترسی به فن آوری روز و سرمایه گذاری خارجی، اطمینان یافتن از اشتغال اتباع خود و افزایش سود در فعالیت های نفتی . برای تحقق این اهداف، دولت میزبان تلاش می کند تا سهم خود را از سود نفتی از طریق شماری از راه کارها از قبیل مالیات، حق الامتیاز و دیگر پاداش ها افزایش دهد . اصطلاح "سود اقتصادی" به معنای بازگشت مازاد سرمایه ای است که در عملیات سرمایه گذاری هزینه شده است یعنی بازگشت بیش از مقدار سرمایه ای که به منظور

سرمایه گذاری برای اکتشاف، توسعه و تولید از میادین گازی ضروری است. اهداف شرکت های نفتی مکمل اهداف دولت هاست زیرا در پی آنند تا با کشف مخازن هیدروکربن و تولید با حداقل هزینه و کسب بیشترین سود ممکن، از طرفی انصاف را اجرا کرده و از طرف دیگر حداکثر سرمایه را برای سهامداران فراهم آورند.

همانطور که در بالا به آن اشاره شد، اساساً دو نظام حقوقی نفتی متمایز وجود دارند: موافقتنامه های امتیازی و قراردادی. تفاوت اساسی بین این دو نظام موضع دولت میزبان نسبت به مالکیت منابع معدنی و سطح نظارت بر فعالیت های نفتی است.

در نظام امتیازی دولت حق اکتشاف و توسعه منابع نفتی را در مقابل دریافت سهمی از سودها به شرکت طرف قرارداد واگذار می کند. در اغلب کشورها، دولت مالک تمامی منابع معدنی است اما وقتی به تولید می رسند مالکیت به شرکت منتقل می شود. ایالات متحده را می توان به عنوان نمونه یک نظام امتیازی نام برد که در آن بیشترین حق مالکیت وجود دارد چرا که این امکان برای افراد نیز وجود دارد تا مالک منابع معدنی گردند.

شیوه ای که دولت ها در نظام امتیازی به کسب سود اقتصادی می پردازند پرداخت حق الامتیاز و مالیات توسط شرکت های نفتی خارجی است.

حق الامتیاز مبلغی است که یک شرکت نفت بین المللی به کشور میزبان می پردازد. اهمیت حق الامتیاز در آن است که مالیاتی بر درآمد ناخالص محسوب می شود که به نرخ ثابت پرداخت می شود. در مواردی که کشور میزبان از سرمایه گذار مالیات دریافت نمی کند، حق الامتیازهای پرداختی، به شرکت های نفتی برگشت می کنند چرا که شرکت های نفتی تمایزی بین میادین سودمند و میادین غیر سودمند قائل نمی شوند. و هنگامی که از میادین پر بازده تولید می کنند و به توسعه میادین نمی پردازند، سود بسیاری نصیبشان می گردد. با این وجود، در مراحل اولیه تولید، سود مسلمی برای دولت وجود دارد.

نظام قراردادی نوع دیگری از ساختار مالی است. در نظام قراردادی، دولت مالکیت منابع نفتی را در اختیار خود نگه می دارد. شرکتهای نفتی حق دارند پس از فروش نفت و گاز بر پایه قرارداد مشارکت در تولید یا قرارداد خدمات، سهمی از تولید یا درآمدها را دریافت کنند. قراردادهای بیع متقابل ایران یک قرارداد "ریسک-خدمات" است که در آن پیمانکار به جای عوض نقدی برای سرمایه گذاری، کالا (نفت خام) دریافت می کند.

ذیلاً به بررسی عناصر اساسی قراردادهای مشارکت در تولید و قراردادهای بیع متقابل از لحاظ بازگشت سود اقتصادی و ریسک های مرتبط با فعالیت های نفتی می پردازیم.

قرارداد مشارکت در تولید برای نخستین بار توسط اندونزی در ۱۹۶۷ مورد استفاده قرار گرفت تا مانع حق شرکت های بین المللی نفتی بر هیدروکربن های زیر سطح زمین گردند. بر اساس الگوی دولت اندونزی، یک شرکت بین المللی نفتی صرفاً یک پیمانکار است و مسئول تامین سرمایه و هدایت تمامی عملیات اکتشاف و توسعه، طبق یک برنامه کاری و بودجه توافق شده می باشد. مقدار دقیق هزینه ها و ریسک های به عهده گرفته شده توسط سرمایه گذار خصوصی، بستگی به شروط قرارداد مشارکت و پاداش های تولید دارد. ویژگیهای اصلی قراردادهای مشارکت در تولید عبارتند از:

الف: تولید نفت به عنوان بازگشت هزینه:

در مواردی که درصد ثابتی از درآمد تولید به عنوان بازگشت هزینه های سرمایه ای (با افزایش یا بدون افزایش)، هزینه های عملیاتی و هزینه های تولید منظور می گردد. سقف بازگشت هزینه در نقاط مختلف دنیا تفاوت بسیار دارد و کاهش سرحد آن درآمد زود هنگامی را برای دولت به دنبال دارد. آن چه که متداول است سقف ۵۰٪ به نسبت تولید برای جبران هزینه ها می باشد. دسته بندی های متفاوتی در خصوص برنامه کاهش وجود دارند که بر بازگشت هزینه با کاهش کامل هزینه های نامحسوس اکتشاف و حفاری اعمال می گردند. در حالیکه بازگشت هزینه های محسوس توسعه در طی پنج سال و به نحو ثابتی صورت می پذیرد. در خصوص توسعه نهایی میادین باید گفت که هرچه هزینه ها سریع تر بازگشت کنند، احتمال تاخیر در توسعه نهایی کمتر خواهد بود

ب: نفت تولید شده به عنوان سود:

مابقی نفت تولیدی پس از کسر بخشی از تولید نفت برای بازپرداخت هزینه، سود حاصل از قرارداد است که بر اساس در صد های از پیش تعیین شده بین دولت و پیمانکار تسهیم می گردد. معمولاً شروط توافق شده در خصوص بازگشت هزینه که فوقاً مورد بررسی قرار گرفت تعیین کننده این امر هستند که در چه زمانی و تا چه اندازه ای نفت تولید شده به مثابه سود به طرفین خواهد رسید.

طرح های اولیه مشارکت در تولید در اندونزی متضمن سهم یکسانی از سود برای طرفین قراردادهای نفت و گاز بود. با این وجود قراردادهای اخیر بر مبنای افزایش و نمودی قرار گرفته اند که به موجب آن سهم دولت با تولید سالانه افزایش می یابد.

قراردادهای بیع متقابل: در حقیقت این قراردادها یک نوع قرارداد خرید خدمات می باشد زیرا شرکت های بین المللی نفتی تمامی هزینه های سرمایه گذاری را تامین کرده و عملیات اکتشاف و تولید را از طرف شرکت ملی نفت ایران، بر اساس یک قلمرو کاری توافق شده، به عهده می گیرند. در مقابل از طریق تخصیص سهمی از تولید توسط شرکت ملی نفت ایران، پاداشی را در قبال هزینه های سرمایه گذاری و عملیاتی، هزینه های بانکی با بهره و نرخ بازگشت سرمایه توافق شده، دریافت می کنند. البته

این پاداش بر اساس قرارداد فروش بلند مدت نفت صادراتی تا سقف ۶۰ درصد تولید در نظر گرفته می شود.

قراردادهای بیع متقابل در ایران به منظور تشویق مشارکت مستقیم بیگانگان در بخش بالادستی نفت ایران که قبل از انقلاب وجود نداشت ، طراحی گردید. بدین ترتیب نظام مالی ایران ، ممنوعیت قانون اساسی به ویژه در اصول ۴۳ و ۴۵ در خصوص عدم اعطای امتیازات در ارتباط با منابع طبیعی ، پایه ریزی شده است . در نتیجه دولت همواره در تنگنایی قرار دارد که بایستی بین تشویق مشارکت بیگانگان در پیشبرد صنعت نفت و حفظ و کنترل کامل بر دارایی های نفتی ، از طریق انعقاد قراردادهای خرید خدمات بیع متقابل ، توازن برقرار کند.

از سال ۱۹۹۵ مجموعاً ۲۴ قرارداد در قالب بیع متقابل در بخش بالادستی صنعت نفت منعقد گردیده است .

در این مقال قصد آن داریم ضمن بررسی انواع قراردادهای بین المللی نفتی و تاریخچه صنعت نفت در ایران به این پرسش اساسی پاسخ دهیم که آیا اختلاف در نوع ، ساختار و چهار چوب قراردادهای منعقد نفتی به علت تفاوت در اصول و قواعد حقوقی حاکم بر آن است یا این اختلافات به علل دیگری به وجود آمده است و آیا انواع قراردادهای نفتی از اصول و قواعد مشترکی تبعیت می کنند ؟



## پیشگفتار:

در این تحقیق سعی بر آن شده است تا با شفاف سازی اصول و قواعد مزبور گلوگاه اختلافات فیما بین و تشابهات و تمایزات حاصل از تنوع این نوع قراردادهای را شناسایی کرده و به این نظریه منتهی گردد که تفاوت در عناوین قراردادها، لزوماً به معنای تفاوت در اصول و مبنا و قواعد کلی این نوع قراردادها نبوده است بلکه مشترکات و اصول متحدالشکلی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت به مراتب بیشتر از تفاوت ها و تمایزات فیما بین آنهاست. به نظر می رسد انجام این کار تحقیقی می تواند در رفع ابهامات موجود در تعارض بین این قراردادهای نقش اساسی را ایفا کند با توجه به اینکه تا کنون هیچگونه تحقیقی در مجامع علمی داخلی و خارجی با رویکرد علمی و کاربردی جامع در زمینه اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت به عمل نیامده است، هدف اصلی، دادن پاسخ به سوالات اصلی تحقیق و بررسی صحت و سقم فرضیه های مطرح شده در طرح اولیه، می باشد. فرضیه های مطروحه، عبارتند از: الف: به نظر می رسد اصول و قواعد حقوقی مشترکی بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت وجود دارد و یکی از پاسخ های اصلی، شفاف سازی این اصول و قواعد است.

ب: به نظر می رسد شناخت گلوگاه اختلافات ناشی از تمایزات و تشابهات حاصل از تنوع این نوع قراردادها لزوماً به این نکته منتهی می شود که تفاوت در عناوین قراردادها به معنای تفاوت در اصول و قواعد حقوقی حاکم بر این نوع قراردادها نمی باشد.

از طرفی سوالات اصلی تحقیق عبارت است از: ۱- آیا اصول و قواعد مشترک حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت وجود دارد؟

۲- تفاوت ها و تشابهات اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت چیست و چگونه تحلیل می شود؟

جهت بررسی صحت و سقم فرضیه های مذکور و دست یابی به پاسخ سوالات مطروحه، ناگزیر به یک بررسی همه جانبه در مورد اصول و قواعد حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت بودیم و بدین منظور به کنکاش در تاریخچه قراردادهای نفتی و صنعت نفت پرداختیم که در این رهگذر به نکات جالب توجهی نیز برخورد کردیم که در جای خود بسیار در خور توجه میباشد و از طرفی به طور مبسوط در مورد منابع حقوق داخلی و حقوق بین الملل و اصول کلی و حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی به تحقیق پرداختیم و در نهایت اصول حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی را مورد ارزیابی قرار دادیم و ماحصل این تحقیق در سه تدوین گردید که به شرح ذیل می باشد:

فصل اول: در مورد کلیات و مفاهیم به بحث و بررسی می پردازد و شامل تعریف انواع قراردادهای بین المللی نفتی، تاریخچه صنعت نفت در ایران، تشریح انواع نظامهای حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی، بررسی و تحلیل انواع قراردادهای بالادستی صنعت نفت معاصر و مراحل و مدت قراردادهای نفتی جدید می باشد.

فصل دوم: به طور تفصیلی به بررسی اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی می پردازیم که شامل مباحث حاکمیت دائمی دولتها بر منابع طبیعی و نفتی در ایران و جهان، اصول و مبانی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت، ضرورت تعیین اصول قانون حاکم بر قراردادهای نفتی، منابع حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی، بررسی تطبیقی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی، تعریف انواع قراردادهای بالادستی از لحاظ عرصه فعالیت، بررسی تغییرات قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای نفتی و در نهایت بررسی تطبیقی اصول و قواعد حقوقی حاکم بر قراردادهای بالادستی صنعت نفت می باشد که در این مبحث به وجوه تمایز و اشتراک انواع قراردادهای منعقد شده نفتی می پردازیم.

و سرانجام در فصل آخر مفصلاً به بررسی دعاوی وحل و فصل اختلافات در قراردادهای بالادستی صنعت نفت می رسیم این فصل شامل مباحث زیر می باشد: اصول حقوقی در دعاوی بین المللی نفتی که عبارتند از معیارهای اصول حقوقی، سلب مالکیت و انواع آن، اصول حقوقی حاکم قراردادی و خارج از قرارداد در دوره بین المللی شدن قراردادهای نفتی، مکانیزم های حل و فصل اختلافات در قراردادهای بالادستی نفتی بین المللی که این مکانیزم ها عمدتاً به روش های قضایی، شبه قضایی و غیر قضایی اعمال می شوند.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

این فصل شامل چهار بخش می باشد که به طور اجمال پیرامون هر بخش توضیح مختصری را بیان می کنیم: در بخش اول در باره مفهوم قراردادهای بین المللی و نفتی و انواع آن و شامل سه مبحث می باشد. در بخش دوم در مورد تاریخچه صنعت نفت است و شامل پنج مبحث می باشد که به ترتیب در مورد تعریف نفت، دوره سلطه انگلستان بر نفت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، اوپک و تاریخچه قراردادهای نفتی بحث می شود.

در بخش سوم در باره نظامهای حقوقی حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی صحبت

میگردد و شامل چهار مبحث است که به ترتیب در مورد نظامهای حقوقی داخلی، بین

المللی، فراملی و Lex Petroleum بحث و بررسی می گردد و بالاخره در بخش

چهارم در باره بررسی و تحلیل قراردادهای بالادستی معاصر توضیحاتی ارائه می شود که

شامل هشت مبحث است که به ترتیب در مورد ماهیت قراردادهای نفتی، قراردادهای

داوری، مراحل و مدت قراردادها، قراردادهای امتیازی، مشارکتی، بیع متقابل و فاینانس،

تشریفات و آثار اسناد بین المللی در قراردادهای بیع متقابل به بررسی و کنکاش می پردازد.

## بخش اول : قراردادهای بین المللی نفتی

### مبحث اول : تعریف قراردادهای بین المللی

با توجه به این که قراردادهای بین المللی نفتی از نظر اهمیت و ویژگی از سایر قراردادهای از سایر قراردادهای داخلی و غیر تجاری متمایز است

لذا ضروری است تعریفی از مفهوم کلی آن ارائه گردد که دو عنصر تجاری بودن و بین المللی بودن آن را در بر گیرد. در برخی از نظامهای حقوقی، عامل یا طرف قرارداد را مد نظر قرار می دهند. در واقع این نظامها پیرو مکتب شخصی هستند. در بعضی از نظامهای حقوقی برای تعیین خصیصه ی یک عمل حقوقی از معیار نوعی و موضوعی استفاده می کنند به عبارت دیگر ماهیت عمل یا ماهیت تعهد ناشی از آن مورد توجه قرار می گیرد. این نظامهای حقوقی از مکتب موضوعی پیروی می کنند و سرانجام برخی دیگر از نظامهای حقوقی به طور تلفیقی عمل میکنند. نظام حقوقی ایران نیز طبق مواد ۲ و ۳ و ۵ قانون تجارت از این دسته نظامهاست<sup>۱</sup>

به لحاظ ارتباط مؤثر میان موضوع قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی و داوری تجاری بین المللی در خصوص شناسایی اجرای آرای داوری با اخذ ملاک، منابع مذکور در خصوص قانون حاکم هم کار برد اساسی دارد در ماده یک قانون نمونه آنیسترال، در توضیح کلمه ی تجاری آمده است: اصطلاح تجاری، باید در مفهوم وسیع آن تفسیر شود به نحوی که موضوعات ناشی از هر گونه رابطه را که دارای ماهیت تجاری است اعم از قراردادی یا غیر قراردادی را شامل شود. منظور از روابط دارای ماهیت تجاری بدون قید انحصار، عبارت است از تهیه یا مبادله کالا یا خدمات، قرارداد توزیع، نمایندگی یا کارگزاری تجاری، حق العمل کاری و... بنا بر این ما در بحث بررسی قانون حاکم بر قراردادهای بین المللی نفتی، با قراردادهایی سر و کار داریم که موضوعاتشان دارای دو خصیصه ی تجاری بودن و بین المللی بودن می باشد. خصیصه ی بین المللی بودن این قراردادها ناشی از ارتباط آن با دو یا چند سیستم حقوقی مختلف توسط یکی از عناصر مرتبط که مهمترین آنها عبارتند از: تابعیت طرفین، محل وقوع یا اجرای قرارداد، اقامتگاه و بالاخره اراده ی طرفین قرارداد است<sup>۲</sup>

البته باید اشاره کرد که این نوع قراردادها، ماهیتی جدای از ماهیت قراردادی در حقوق مدنی ایران ندارند. وصف بین المللی داشتن در ذات حقوقی قرارداد تغییری ایجاد نمی کند. هر چند که عناصر بین المللی و تجاری بودن آنها را از نظر عاضی از قراردادهای مدنی متمایز می سازد.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> جنیدی، لعیا، قانون حاکم در داوریهای تجاری بین المللی، نشر دادگستر، سال ۱۳۷۶، ص ۲۱

<sup>۲</sup> قانون نمونه داوری تجاری بین المللی، مجله ی حقوقی دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ی ۴، ص ۲۰۷

<sup>۳</sup> شهیدی، مهدی، مجله ی تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره ی ۱۹/۲۰، ص ۵۴

<sup>۴</sup> همان، ص ۵۳